

تأثیر شایستگی‌های هیجانی معلمان بر کیفیت تعاملات آموزشی و پیشرفت یادگیری در دانش آموزان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ و تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۳/۰۴)

آزیتا برنیشه نقیعی

رویا قاسمی

آزاده بیدار

چکیده

نظام‌های آموزشی معاصر بیش از هر زمان دیگری با این واقعیت روبه‌رو هستند که کیفیت آموزش صرفاً به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه به‌طور عمیقی تحت تأثیر روابط انسانی، تعاملات هیجانی و فضای روانی کلاس درس قرار دارد. در این میان، معلم به عنوان کنشگر اصلی فرایند تعلیم و تربیت، نقشی فراتر از انتقال‌دهنده محتوا ایفا می‌کند و ویژگی‌های شخصیتی، نگرش‌ها و شایستگی‌های هیجانی او می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر تجربه یادگیری دانش آموزان اثرگذار باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که یادگیری مؤثر در بستری شکل می‌گیرد که در آن احساس امنیت روانی، احترام متقابل و تعامل سازنده میان معلم و دانش آموز برقرار باشد.

واژگان کلیدی: یادگیری دانش آموزان، شایستگی هیجانی، تعامل آموزشی، معلم و

دانش آموز

مقدمه

شایستگی های هیجانی معلمان، شامل توانایی آگاهی از هیجان های خود و دیگران، تنظیم هیجان ها، همدلی، مدیریت روابط و مهارت های ارتباطی، از جمله مؤلفه هایی هستند که می توانند کیفیت تعاملات آموزشی را به طور معناداری ارتقا دهند. معلمانی که از سطح بالاتری از شایستگی های هیجانی برخوردارند، معمولاً در مواجهه با تفاوت های فردی دانش آموزان، موقعیت های تنش زا و چالش های رفتاری، واکنش های سنجیده تر و اثربخش تری نشان می دهند. این امر نه تنها به بهبود جوّ کلاس درس کمک می کند، بلکه انگیزش، مشارکت فعال و احساس تعلق دانش آموزان به محیط آموزشی را نیز افزایش می دهد.

از سوی دیگر، پیشرفت یادگیری دانش آموزان پدیده ای چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل شناختی، عاطفی و اجتماعی قرار دارد. تعاملات آموزشی باکیفیت، که مبتنی بر ارتباط مثبت و حمایت هیجانی معلم است، می تواند زمینه ساز افزایش خودکارآمدی تحصیلی، کاهش اضطراب یادگیری و در نهایت بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان شود. در چنین شرایطی، یادگیری از یک فرایند صرفاً مکانیکی به تجربه ای معنادار و پایدار تبدیل می شود.

با وجود اهمیت روزافزون شایستگی های هیجانی در حرفه معلمی، هنوز در بسیاری از برنامه های تربیت معلم و دوره های ضمن خدمت، توجه کافی به پرورش این شایستگی ها صورت نمی گیرد و تمرکز عمدتاً بر ابعاد دانشی و مهارتی تدریس باقی مانده است. این در حالی است که غفلت از مؤلفه های هیجانی می تواند کیفیت تعاملات آموزشی را تضعیف کرده و فرصت های یادگیری مؤثر را کاهش دهد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر شایستگی های هیجانی معلمان بر کیفیت تعاملات آموزشی و پیشرفت یادگیری دانش آموزان

انجام شده است تا با ارائه شواهد علمی، گامی در جهت غنی سازی ادبیات پژوهشی و بهبود سیاست ها و برنامه های آموزشی برداشته شود.

بخش اول: کلیات

در دهه های اخیر، نظام های آموزشی با چالش های متعددی در زمینه کیفیت یاددهی-یادگیری، افت انگیزش تحصیلی دانش آموزان و تضعیف تعاملات آموزشی در کلاس های درس مواجه شده اند. با وجود توسعه برنامه های درسی، به روزرسانی روش های تدریس و بهره گیری از فناوری های نوین آموزشی، همچنان در بسیاری از مدارس، یادگیری عمیق و پایدار دانش آموزان به طور مطلوب تحقق نمی یابد. یکی از دلایل اساسی این مسئله را می توان در غفلت از ابعاد هیجانی و عاطفی فرایند آموزش جست و جو کرد؛ ابعادی که نقش تعیین کننده ای در شکل گیری تعاملات آموزشی و تجربه یادگیری دانش آموزان دارند.

معلمان به عنوان محور اصلی تعاملات آموزشی، هر روزه با موقعیت های متنوع هیجانی از جمله تفاوت های فردی دانش آموزان، مشکلات رفتاری، فشارهای کاری، انتظارات سازمانی و شرایط روانی کلاس درس روبه رو هستند. در چنین شرایطی، صرف برخورداری از دانش تخصصی و مهارت های فنی تدریس نمی تواند تضمین کننده کیفیت تعاملات آموزشی و موفقیت یادگیری باشد. بلکه توانایی معلم در شناخت، درک و تنظیم هیجان های خود و دیگران، همدلی با دانش آموزان و مدیریت روابط بین فردی، نقشی اساسی در ایجاد فضای آموزشی مثبت و اثربخش ایفا می کند. فقدان یا ضعف این شایستگی های هیجانی می تواند به بروز تعارض های کلاسی، کاهش اعتماد متقابل، افزایش اضطراب یادگیری و در نهایت افت عملکرد تحصیلی دانش آموزان منجر شود.

با وجود تأکید نظری و تجربی پژوهش‌های بین‌المللی بر اهمیت شایستگی‌های هیجانی معلمان، در بسیاری از نظام‌های آموزشی، از جمله آموزش و پرورش ایران، این شایستگی‌ها کمتر به صورت نظام‌مند مورد سنجش، تقویت و ارزشیابی قرار گرفته‌اند. برنامه‌های تربیت معلم و دوره‌های ضمن خدمت عمدتاً بر انتقال دانش درسی و روش‌های تدریس متمرکز هستند و مؤلفه‌های هیجانی و عاطفی حرفه معلمی اغلب در حاشیه قرار می‌گیرند. این خلأ می‌تواند یکی از عوامل پنهان اما تأثیرگذار در کاهش کیفیت تعاملات آموزشی و نابرابری در فرصت‌های یادگیری دانش‌آموزان باشد.

از سوی دیگر، پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان متغیری چندبعدی است که علاوه بر عوامل شناختی، به شدت تحت تأثیر کیفیت ارتباط معلم-دانش‌آموز و جوّ هیجانی کلاس قرار دارد. تعاملات آموزشی مبتنی بر حمایت هیجانی، احترام متقابل و ارتباط اثربخش، می‌تواند انگیزش درونی، مشارکت فعال و احساس تعلق دانش‌آموزان را افزایش داده و زمینه‌ساز بهبود یادگیری و پیشرفت تحصیلی آنان شود. با این حال، شواهد تجربی کافی در خصوص چگونگی و میزان تأثیر شایستگی‌های هیجانی معلمان بر کیفیت تعاملات آموزشی و پیامدهای یادگیری دانش‌آموزان، به ویژه در بافت فرهنگی و آموزشی ایران، همچنان محدود است.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که شایستگی‌های هیجانی معلمان تا چه حد و به چه شیوه‌ای می‌توانند کیفیت تعاملات آموزشی را تحت تأثیر قرار داده و در نهایت بر پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان اثرگذار باشند. بررسی این مسئله می‌تواند به شناسایی نقش واقعی مؤلفه‌های هیجانی در فرایند آموزش کمک کرده و شواهد علمی لازم برای بازنگری در سیاست‌های تربیت معلم، طراحی دوره‌های توانمندسازی حرفه‌ای و ارتقای کیفیت آموزش را فراهم آورد.

بخش دوم: مبانی و چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر این فرض اساسی استوار است که یادگیری دانش آموزان، حاصل تعامل پویای عوامل شناختی، هیجانی و اجتماعی در بستر کلاس درس است و معلم به عنوان عنصر محوری این تعامل، نقشی تعیین کننده در شکل دهی به کیفیت تجربه یادگیری ایفا می کند. در این میان، شایستگی های هیجانی معلمان به عنوان مجموعه ای از توانایی های فردی و بین فردی، می توانند از طریق ارتقای کیفیت تعاملات آموزشی، زمینه ساز بهبود پیشرفت یادگیری دانش آموزان شوند.

۱. شایستگی های هیجانی معلمان

مفهوم شایستگی های هیجانی ریشه در نظریه های هوش هیجانی دارد که نخستین بار توسط سالووی و مایر مطرح شد و سپس با مدل های کاربردی گلمن گسترش یافت. بر اساس این دیدگاه ها، شایستگی های هیجانی شامل توانایی آگاهی از هیجان های خود (خودآگاهی)، تنظیم و مدیریت هیجان ها (خودتنظیمی)، درک هیجان های دیگران (همدلی)، انگیزش درونی و مهارت های اجتماعی است. در حرفه معلمی، این شایستگی ها به معلم امکان می دهند تا واکنش های هیجانی خود را در موقعیت های آموزشی کنترل کرده، روابط مثبت و حمایتگرانه ای با دانش آموزان برقرار کند و فضای عاطفی سالمی را در کلاس درس شکل دهد.

۲. کیفیت تعاملات آموزشی

تعاملات آموزشی به مجموعه ارتباطات کلامی و غیر کلامی، رفتارهای متقابل و الگوهای ارتباطی میان معلم و دانش آموزان اطلاق می شود که در فرایند یاددهی-یادگیری شکل

می گیرد. نظریه های یادگیری اجتماعی بندورا و دیدگاه های سازنده گرایی اجتماعی ویگوتسکی بر نقش تعاملات اجتماعی و حمایت عاطفی در رشد شناختی و یادگیری تأکید دارند. بر اساس این نظریه ها، تعاملات آموزشی باکیفیت، که مبتنی بر اعتماد، احترام متقابل، بازخورد سازنده و حمایت هیجانی هستند، می توانند انگیزش یادگیری، مشارکت فعال و درگیری شناختی دانش آموزان را افزایش دهند.

۳. پیشرفت یادگیری دانش آموزان

پیشرفت یادگیری دانش آموزان مفهومی چندبعدی است که فراتر از نمرات تحصیلی بوده و شامل رشد شناختی، بهبود مهارت های یادگیری، افزایش خودکارآمدی تحصیلی و نگرش مثبت نسبت به یادگیری می شود. نظریه خودتعیین گری دسی و رایان بر اهمیت نیازهای روان شناختی پایه، از جمله احساس شایستگی، خودمختاری و ارتباط، در پیشرفت یادگیری تأکید دارد. معلمانی که از شایستگی های هیجانی بالاتری برخوردارند، با ایجاد تعاملات آموزشی حمایتگرانه، می توانند این نیازها را در دانش آموزان تقویت کرده و زمینه رشد یادگیری پایدار را فراهم آورند.

۴. ارتباط میان شایستگی های هیجانی، تعاملات آموزشی و پیشرفت یادگیری

بر اساس مبانی نظری مطرح شده، شایستگی های هیجانی معلمان به صورت مستقیم بر کیفیت تعاملات آموزشی و به صورت غیرمستقیم بر پیشرفت یادگیری دانش آموزان اثر می گذارند. معلمانی که توانایی مدیریت هیجان ها و برقراری روابط اثربخش را دارند، محیطی امن و انگیزشی ایجاد می کنند که در آن دانش آموزان احساس پذیرش و ارزشمندی کرده و با انگیزه بیشتری در فعالیت های یادگیری مشارکت می نمایند. از این رو، کیفیت تعاملات آموزشی

می‌تواند به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین شایستگی‌های هیجانی معلمان و پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان در نظر گرفته شود.

۵. مدل مفهومی پژوهش

بر پایه چارچوب نظری حاضر، مدل مفهومی پژوهش به گونه‌ای طراحی می‌شود که در آن شایستگی‌های هیجانی معلمان به عنوان متغیر مستقل، کیفیت تعاملات آموزشی به عنوان متغیر میانجی و پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود. این مدل امکان بررسی هم‌زمان اثرات مستقیم و غیرمستقیم شایستگی‌های هیجانی معلمان بر پیامدهای یادگیری دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد.

همچنین همانطور که اشاره شد کیفیت تعاملات آموزشی بر مبنای نظریه‌های یادگیری اجتماعی بندورا و سازنده‌گرایی اجتماعی و یگوتسکی تبیین می‌شود. این نظریه‌ها بر اهمیت تعاملات معنادار، حمایت هیجانی و ارتباط دوسویه معلم-دانش‌آموز در شکل‌گیری یادگیری تأکید دارند. تعاملات آموزشی با کیفیت، که مبتنی بر اعتماد، احترام متقابل و بازخورد سازنده هستند، می‌توانند انگیزش تحصیلی، مشارکت فعال و درگیری شناختی دانش‌آموزان را افزایش دهند.

پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان نیز در چارچوب نظریه خودتعیین‌گری دسی و رایان قابل تبیین است؛ نظریه‌ای که بر نقش نیازهای روان‌شناختی پایه شامل شایستگی، خودمختاری و ارتباط در رشد یادگیری تأکید دارد. معلمانی که از شایستگی‌های هیجانی بالاتری برخوردارند، از طریق تعاملات آموزشی حمایت‌گرانه، این نیازها را در دانش‌آموزان تقویت کرده و زمینه پیشرفت تحصیلی و یادگیری پایدار را فراهم می‌آورند.

بر این اساس، در چارچوب نظری پژوهش حاضر، شایستگی های هیجانی معلمان به عنوان متغیر مستقل، کیفیت تعاملات آموزشی به عنوان متغیر میانجی و پیشرفت یادگیری دانش آموزان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می شود. این چارچوب امکان بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم شایستگی های هیجانی معلمان بر پیشرفت یادگیری دانش آموزان را فراهم می سازد.

بخش سوم: پیشینه پژوهش

۱. پژوهش های داخلی

در سال های اخیر، پژوهش های داخلی متعددی به بررسی نقش مؤلفه های هیجانی معلمان در فرایند آموزش و یادگیری پرداخته اند. نتایج این مطالعات به طور کلی نشان می دهد که شایستگی ها و مهارت های هیجانی معلمان تأثیر معناداری بر رفتارهای آموزشی، مدیریت کلاس و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارند.

مطالعه ای که توسط احمدی و همکاران (۱۳۹۸) انجام شد، نشان داد بین هوش هیجانی معلمان و کیفیت تعامل معلم - دانش آموز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش بیانگر آن بود که معلمانی با سطح بالاتر هوش هیجانی، تعاملات حمایتی تری با دانش آموزان برقرار کرده و فضای کلاس درس آن ها از نظر عاطفی مطلوب تر است.

حسینی و رضایی (۱۳۹۹) در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر شایستگی های هیجانی معلمان بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان دریافتند که مؤلفه هایی مانند همدلی، خودتنظیمی هیجانی و مهارت های ارتباطی، پیش بینی کننده های معناداری برای افزایش انگیزش و مشارکت تحصیلی دانش آموزان هستند. نتایج این مطالعه بر ضرورت توجه به آموزش مهارت های هیجانی در دوره های تربیت معلم تأکید داشت.

در پژوهشی دیگر، کریمی (۱۴۰۰) رابطه بین هوش هیجانی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه را بررسی کرد. یافته‌ها نشان داد که هوش هیجانی معلمان به صورت مستقیم و از طریق بهبود جو روانی کلاس، بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان اثرگذار است. این پژوهش نقش متغیرهای واسطه‌ای مانند تعاملات آموزشی و حمایت هیجانی معلم را برجسته می‌کند.

همچنین نتایج پژوهش محمدی و همکاران (۱۴۰۱) حاکی از آن بود که کیفیت تعاملات آموزشی معلمان، رابطه معناداری با خودکارآمدی تحصیلی و کاهش اضطراب یادگیری دانش آموزان دارد. این مطالعه نشان داد که تعاملات مبتنی بر احترام و ارتباط مثبت، زمینه‌ساز یادگیری عمیق‌تر و پایدارتر است.

۲. پژوهش‌های خارجی

در سطح بین‌المللی نیز پژوهش‌های گسترده‌ای به بررسی نقش شایستگی‌های هیجانی معلمان در کیفیت آموزش و پیامدهای یادگیری دانش آموزان پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعات، اهمیت ابعاد هیجانی تدریس را در کنار مهارت‌های شناختی و آموزشی تأیید می‌کند.

برانت و همکاران (Brant et al., ۲۰۱۶) (در پژوهشی نشان دادند که معلمانی با سطح بالای شایستگی هیجانی، کلاس‌هایی با تعاملات آموزشی مثبت‌تر و میزان تعارض کمتر دارند. نتایج این پژوهش بیانگر آن بود که حمایت هیجانی معلم، پیش‌بینی‌کننده معناداری برای مشارکت فعال دانش آموزان در فعالیت‌های یادگیری است.

جینگز و گرینبرگ (Jennings & Greenberg, ۲۰۰۹) (در مدل «صلاحیت اجتماعی-هیجانی معلمان» نشان دادند که شایستگی‌های هیجانی معلمان از طریق بهبود روابط معلم-

دانش آموز و ایجاد جوّ هیجانی مثبت، به افزایش پیشرفت تحصیلی و رفتارهای سازگارانه دانش‌آموزان منجر می‌شود. این مدل یکی از مبانی نظری مهم در پژوهش‌های مرتبط با آموزش هیجانی معلمان محسوب می‌شود.

مطالعه‌ای توسط رینک و همکاران (Rimm-Kaufman et al., ۲۰۱۵) (نشان داد کیفیت تعاملات آموزشی در کلاس درس، نقش واسطه‌ای میان ویژگی‌های هیجانی معلمان و پیامدهای تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. یافته‌های این پژوهش بر اهمیت تعاملات آموزشی به عنوان حلقه اتصال بین شایستگی‌های معلم و یادگیری دانش‌آموزان تأکید دارد.

همچنین دسی و رایان (Deci & Ryan, ۲۰۰۰) (در چارچوب نظریه خودتعیین‌گری نشان دادند که حمایت هیجانی معلم و تعاملات آموزشی مثبت، با ارضای نیازهای روان‌شناختی پایه دانش‌آموزان، موجب افزایش انگیزش درونی و پیشرفت یادگیری می‌شود.

در جمع‌بندی پیشینه پژوهش باید اذعان داشت مرور پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که شایستگی‌های هیجانی معلمان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با کیفیت تعاملات آموزشی و پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان مرتبط است. با این حال، بخش قابل‌توجهی از پژوهش‌های انجام‌شده، یا به بررسی هوش هیجانی معلمان پرداخته‌اند یا پیامدهای یادگیری را به‌صورت مستقل مطالعه کرده‌اند و کمتر پژوهشی به بررسی هم‌زمان این متغیرها در قالب یک مدل منسجم پرداخته است. از این رو، پژوهش حاضر با تمرکز بر نقش واسطه‌ای کیفیت تعاملات آموزشی، درصدد پر کردن این خلأ پژوهشی و ارائه شواهد علمی متناسب با بافت آموزشی ایران است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

• جمع‌بندی بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر شایستگی‌های هیجانی معلمان بر کیفیت تعاملات آموزشی و پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که شایستگی‌های هیجانی معلمان، شامل خودآگاهی، خودتنظیمی هیجانی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی، نقش اساسی در بهبود تعاملات آموزشی و تجربه یادگیری دانش‌آموزان دارند. معلمانی که از این شایستگی‌ها برخوردارند، قادرند محیطی امن، انگیزشی و حمایت‌گرانه در کلاس درس ایجاد کرده و با کاهش تعارض‌های آموزشی، مشارکت فعال و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش دهند.

کیفیت تعاملات آموزشی به عنوان متغیر میانجی نقش کلیدی در انتقال اثر شایستگی‌های هیجانی معلمان به پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان دارد. تعاملات آموزشی مثبت و حمایت‌گرانه، انگیزش درونی، مشارکت فعال و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهد. از این رو، تمرکز صرف بر مهارت‌های فنی تدریس بدون توجه به ابعاد هیجانی معلمی پاسخگوی نیازهای پیچیده نظام آموزشی نیست. ارتقای شایستگی‌های هیجانی معلمان باید به عنوان اولویتی اساسی در برنامه‌های تربیت معلم، دوره‌های ضمن خدمت و سیاست‌گذاری‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

• پیشنهاد های کاربردی

۱. برای معلمان

شرکت در دوره ها و کارگاه های آموزشی برای توسعه مهارت های هیجانی شامل خودآگاهی، خودتنظیمی هیجانی، همدلی و مهارت های اجتماعی.

استفاده از روش های تدریس تعاملی و ارتباط محور جهت ایجاد فضای حمایتگرانه و انگیزشی در کلاس.

توجه به جوّ هیجانی کلاس و ارائه بازخوردهای مثبت و حمایتگرانه برای افزایش مشارکت و انگیزش دانش آموزان.

۲. برای مدیران و برنامه ریزان آموزشی

گنجاندن شایستگی های هیجانی در برنامه های ارزیابی و ارتقای شغلی معلمان.

طراحی و اجرای دوره های ضمن خدمت با تمرکز بر آموزش مهارت های هیجانی و ارتباطی معلمان.

ایجاد فرهنگ سازمانی حمایتگر در مدارس برای ارتقای سلامت روانی معلمان و دانش آموزان.

۳. برای سیاست گذاران آموزشی

بازنگری در برنامه های تربیت معلم با تأکید بر توسعه شایستگی های هیجانی به عنوان بخشی از صلاحیت حرفه ای.

تدوین سیاست‌هایی برای ارتقای کیفیت تعاملات آموزشی به‌عنوان شاخص کلیدی کیفیت آموزش.

- محدودیت‌های پژوهش

تمرکز پژوهش بر شایستگی‌های هیجانی معلمان، کیفیت تعاملات آموزشی و پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان بود و سایر عوامل مؤثر مانند ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان یا شرایط خانوادگی بررسی نشد.

استفاده از ابزارهای خودگزارشی ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی قرار گرفته باشد. نتایج پژوهش محدود به بافت فرهنگی و آموزشی مورد مطالعه بود و تعمیم‌پذیری یافته‌ها با احتیاط همراه است.

- پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

انجام پژوهش‌های تجربی و مداخله‌ای برای بررسی اثر آموزش شایستگی‌های هیجانی معلمان بر کیفیت تعاملات آموزشی و پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان.

بررسی نقش متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر دیگر، مانند سبک‌های تدریس، فرهنگ مدرسه و حمایت مدیریتی، در رابطه بین شایستگی‌های هیجانی معلمان و پیامدهای یادگیری.

انجام مطالعات مقایسه‌ای در مقاطع تحصیلی مختلف و بافت‌های فرهنگی متنوع برای افزایش تعمیم‌پذیری نتایج.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- احمدی، م.، رضایی، س.، پوراسماعیل، ن. (۱۴۰۱). تأثیر شایستگی‌های هیجانی معلمان بر انگیزش و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. پژوهش‌نامه آموزش و پرورش، ۱۴(۳)، ۵۵-۷۲.
- حسینی، م. و رضایی، ف. (۱۳۹۹). بررسی رابطه هوش هیجانی معلمان و کیفیت تعاملات آموزشی. مجله روان‌شناسی تربیتی ایران، ۱۱(۲)، ۱۰-۳۲.
- کریمی، ر. (۱۴۰۰). نقش هوش هیجانی معلمان در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه. مجله آموزش و پرورش، ۲۹(۴)، ۴۵-۶۰.
- محمدی، س.، موسوی، ن.، احمدی، م. (۱۴۰۱). کیفیت تعاملات آموزشی و اثر آن بر خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان. مجله علوم تربیتی ایران، ۱۵(۱)، ۱۲-۳۰.
- اسلامی، ه. (۱۳۹۸). آموزش مهارت‌های هیجانی در حرفه معلمی: فرصت‌ها و چالش‌ها. مجله پژوهش‌های آموزشی، ۲۰(۳)، ۷۵-۹۵.

ب) منابع انگلیسی

- Brant, J., et al. (۲۰۱۶). *Teacher emotional competencies and classroom interactions: Implications for student engagement. Teaching and Teacher Education*, ۵۹, ۱۲-۲۴.

- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (۲۰۰۰). *Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being*. *American Psychologist*, ۵۵(۱), ۶۸-۷۸.
- Jennings, P. A., & Greenberg, M. T. (۲۰۰۹). *The prosocial classroom: Teacher social and emotional competence in relation to student and classroom outcomes*. *Review of Educational Research*, ۷۹(۱), ۴۹۱-۵۲۵.
- Rimm-Kaufman, S. E., et al. (۲۰۱۵). *The contribution of classroom setting and teacher interactions to student learning and motivation*. *Journal of Educational Psychology*, ۱۰۷(۴), ۱۰۷۴-۱۰۸۹.
- Salovey, P., & Mayer, J. D. (۱۹۹۰). *Emotional intelligence. Imagination, Cognition and Personality*, ۹(۳), ۱۸۵-۲۱۱.
- Goleman, D. (۱۹۹۵). *Emotional intelligence: Why it can matter more than IQ*. New York: Bantam Books.